

فصل هفتم:

سازماندهی گروه‌های عملیاتی

□ تشکیل «گروه اطلاعات»

این گروه در سال ۱۳۴۹، با هدف جمع‌آوری اطلاعات از عناصر و مهره‌های رژیم به خصوص ساواک و تأسیسات عمده رژیم، درجه‌بندی این اطلاعات و نهایتاً استفاده از آنها در چارچوب فعالیت نظامی سازمان، به وجود آمد. در رأس این گروه ابتدا اصغر بدیع‌زادگان و سپس محمود عسکری‌زاده قرار داشتند. یکی از علل مهم تشکیل این گروه، امکانی بود که ناصر سماواتی در نفوذ به مرکز ساواک پیدا کرد؛ وی به دلیل شغلش در وزارت آب و برق (نیرو)، در ارتباط با خدمات مربوط به برق و وسایل الکتریکی به «باغ مهران» مرکز ساواک راه یافت و همین امر مرکزیت سازمان را به جمع‌آوری اطلاعات تشویق نمود. سماواتی تا لحظه دستگیری خود، از اعضای فعال «گروه اطلاعات» سازمان بود.^۱

این گروه، بلافاصله پس از تشکیل، اطلاعاتی درون سازمان انتشار داد مبنی بر اینکه کلیه کادرها و اعضای سازمان موظف‌اند اطلاعات خود درباره عناصر و شخصیت‌های رژیم و همچنین تأسیسات عمده آن را در اختیار سازمان قرار دهند؛ با این تأکید که این اطلاعات را هرچه کامل‌تر و مشروح‌تر بنویسند؛ و حتی در صورت نقص اطلاعات، اگر امکان تکمیل آن به طور عادی وجود دارد، آن را تکمیل نمایند؛ و ضمناً اگر اطلاعات ناقص است و امکان تکمیل آن نیست، همان را نیز بفرستند؛ چرا که مجموعه

۱. خلاصه پرونده‌ها...: سماواتی، ناصر - بدیع‌زادگان، اصغر - عسکری‌زاده، محمود. قسمتی از دفاعیات سازمان: بخش اول دفاعیه ناصر صادق (رد صلاحیت).

اطلاعات پراکنده و ناقص دربارهٔ مطلبی واحد، می‌توانند یکدیگر را تکمیل کنند. به دنبال انتشار این اطلاعیه، اطلاعات بسیاری به صورت ناقص و کامل دربارهٔ افراد و مؤسسات رژیم به دست گروه رسید؛ به طوری که جمع‌آوری و آرشیو این اطلاعات، خود ایجاد مشکل کرد. گروه این اطلاعات را مورد بررسی و تحلیل قرار داده آنها را به کمک یکدیگر جرح و تعدیل و تکمیل کرد و در پایان، به ترتیب اهمیت و اولویت، کلاسه و طبقه‌بندی نمود. اطلاعات مربوط به شناسایی و عملیات ربودن «شهرام» پسر «اشرف پهلوی» و دیگر عملیات - که شرحشان خواهد آمد - بر اساس همین اطلاعات فراهم گردید. البته «گروه اطلاعات» پیگیری و تعقیب برای کسب و یا تکمیل اطلاعات را - به صورت عملی - جزء وظایف خود نمی‌دانست. گروه - به اصطلاح - دارای تیم کسب اطلاعات نبود و صرفاً به دادن رهنمود، جمع‌آوری اطلاعات به دست آمده، تجزیه و تحلیل و کلاسه و طبقه‌بندی آنها اکتفا می‌نمود. سازمان - به ادعای خود - تا قبل از ضربهٔ شهریور ۵۰ موفق شد بیش از ۲۰۰۰ نفر از عوامل مهم ساواک و مهره‌های رژیم را به طور کامل و دقیق شناسایی کند.^۱

□ تشکیل «گروه تدارکات»

سرعت عملی، که به‌رغم ناکام ماندن، توسط «سازمان رهایی‌بخش» صورت گرفت (عملیات ناموفق ربودن سفیر آمریکا و سرقت مسلحانه از بانک ایران و انگلیس) و موجی که پس از ماجرای حمله به پاسگاه ژاندارمری «سیاهکل» توسط چریک‌های فدایی خلق (گروه جنگل) به راه افتاد، فضایی از آوانتوریسم و اشتیاق برای تسریع در عملیات انقلابی، در سطح سازمان ایجاد کرد. اولین نیازی که به نظر می‌رسید، اسلحه و مهمات لازم برای چنین برنامه‌هایی بود. از این رو «گروه تدارکات» با مسئولیت ناصر صادق تشکیل شد؛ و محمد بازرگانی عنصر فعال گروه بود. ترتیب و تدارک مهمات و اسلحه در داخل را مستقیماً ناصر صادق به عهده گرفت و وظیفهٔ هماهنگی تسلیحاتی با نیروهای اعزامی به اردوگاه‌های فلسطینی، بر عهدهٔ محمد بازرگانی بود. چنانکه در فصل نهم (ضربهٔ شهریور ۱۳۵۰) توضیح خواهیم داد، ضربه‌پذیری سازمان از همین طریق بود.^۲

۱. یادداشت‌های حسین روحانی: صص ۵۴-۵۵. شرح تأسیس...: ص ۵۲.

۲. شرح تأسیس...: ص ۵۳. خلاصه پرونده‌ها...: صادق، ناصر - بازرگانی، محمد.

□ تشکیل «گروه شیمی و مواد انفجاری»

این گروه در اوایل سال ۱۳۵۰ با عضویت اصغر بدیع‌زادگان، علی باکری، کریم تسلیمی و علی اصغر منتظری حقیقی و با مسئولیت هر یک از ایشان - در مقاطع مختلف - به وجود آمد. وظیفه گروه، علاوه بر تهیه و تدوین مطالب مربوط به مواد انفجاری، آموزش افراد در این زمینه بود.

پیش از تشکیل این گروه در تهران، در سال ۱۳۴۹ بدیع‌زادگان و بعدها محسن نجات حسینی و علی باکری در اردوگاه‌های فلسطینی توانسته بودند در زمینه مواد انفجاری فابریک و دست‌ساز (بعد از آزمایش‌های عملی) اولین سری از مطالب مربوط به شیمی مواد انفجاری و تهیه این مواد به صورت دست‌ساز را تهیه کنند. این مطالب بعداً در داخل کشور، توسط همین گروه، تکمیل شد و مورد آموزش اعضای سازمان قرار گرفت.

در خارج از کشور نیز به صورت جداگانه، در دوران پس از ضربه اول شهریور، جزوات کاملی، درباره مواد انفجاری فابریک و دست‌ساز و کاربرد و جدول محاسبات تخریبی مواد، تهیه شد و انتشار یافت. این جزوات، که بعداً یکجا به چاپ رسید، بر اساس تلاش‌های اصغر بدیع‌زادگان و علی باکری و اصغر منتظری حقیقی و تکمیل آن توسط محسن نجات حسینی، محمد یقینی و - احتمالاً - حسین خوشرو در مهر ماه ۱۳۵۲ تهیه و تدوین گردید.^۱ کتاب که در چهار بخش «تجاریبی از دانش انفجاری» (بخش ۱ و بخش ۲)، «مواد منفجره و دستگاه‌های انفجاری» و «فشنگ‌شناسی» تدوین شده بود توسط بخش خارج از کشور سازمان انتشار یافت و بعدها «انتشارات ابوزر» آن را تکثیر نمود.^۲

□ تشکیل «گروه آموزش نظامی»

این گروه در اوایل سال ۱۳۵۰ و پس از بازگشت اکثر افراد دوره‌دیده نظامی، توسط برخی از همین افراد تشکیل شد. وظیفه گروه، تسهیل و تدارک آموزش نظامی اعضا چه به صورت نظری و چه به لحاظ

۱. همان: افراد ذکر شده در گروه شیمی. یادداشت‌های حسین روحانی: ص ۵۵.

۲. همین نحوه انتشار، آن هم در مورد موضوع خطرناک و مسئولیت آفرینی چون مواد منفجره، نشانگر فضای آواتوریستی و ماجراجویانه آن سال‌ها بود. تا آنجا که می‌دانیم این کتاب که در مقدمه آن آمده بود «به سایر گروه‌های انقلابی تقدیم می‌گردد»، کامل‌ترین سند در این خصوص است؛ ارتباط انفجارهای متعددی که به هنگام ساخت و یا کارگذاری مواد منفجره روی داد و تلفاتی که بار آورد با چنین مجموعه‌ای قابل دقت است.

عملی بود. در قسمت نظری، علاوه بر آموزش مواد انفجاری که توسط «گروه شیمی» انجام می‌گرفت، آشنایی با سلاح‌های مختلف و اصول و قواعد جنگ‌های غیرکلاسیک آموزش داده می‌شد؛ در قسمت عملی نیز تا آنجا که در شرایط آن روز ایران مقدور بود، در زمینه تیراندازی و آموزش آن، اقداماتی انجام شد.^۱

این نکته را باید یادآور شویم که کارایی بالفعل گروه‌های مزبور - تقریباً - به کمال نرسید و اغلب امکانات تدارکاتی، آموزشی و اطلاعاتی به چنگ ساواک افتاد.

□ تربیت کادرهای همه‌جانبه

از بهار سال ۱۳۴۹ حنیف‌نژاد، طی یک جمع‌بندی از وضعیت عمومی سازمان و پس از گذشت بیش از یک سال از بحث‌های استراتژیک، به ضرورت داشتن کادرها و مسئولان همه‌جانبه رسید. جدی‌تر شدن تر «انقلابی حرفه‌ای»، از عوامل طرح تشکیل و تربیت کادرهای همه‌جانبه بود. در سازماندهی جدید سال ۱۳۴۸، که سازمان به سه شاخه مستقل تقسیم شد، در عمل این شاخه‌ها نتوانستند استقلال خود را حفظ کنند. در تحلیل سازمان، علت این مسئله عدم ورود به دوران عمل و نداشتن «کادرهای همه‌جانبه» بود؛ یعنی کسانی که در حقیقت فقط در مسائل سیاسی یا ایدئولوژیک یا عملی و... رشد نکرده باشند بلکه در همه جوانب رشد کنند؛ هر یک به تنهایی یک سازمان باشند و بتوانند در صورت ضربه به سازمان آن را حفظ کنند و ادامه دهند. تعداد چنین مسئولانی چندان زیاد نبود و به علت جو عمل‌زدگی و ماجرای هوایماربایی و اعزام به فلسطین، توجه کافی به این مسئله نشد.^۲

۱. یادداشت‌های حسین روحانی: ص ۵۵. شرح تأسیس...: صص ۵۲-۵۳. گفت و گوها: عبدالله زرین‌کفش.

۲. شرح تأسیس...: صص ۷۷-۷۸؛ با تلخیص و اندکی تصرف.